

دشمنان خلاقیت



حتما شنیده اید که هر ایده جدید و کارا و هر کار خلاقانه ای زمانی تمسخر شده، به شدت انکار یا محکوم شده، مورد بی توجهی بوده اما بعدها علاوه بر پذیرفته شدن، مورد تشویق و تحسین نیز قرار گرفتند. در این مسیر موانعی سر راه خلاقیت و نوآوری ایجاد می شود.

در حوزه موانع فردی متخصصان از مواردی **مانند ترس از شکست، رویگردانی از ابهامات، عادات، عدم اعتماد به نفس و عدم انعطاف پذیری** نام می برند و در مورد موانع بیرونی **به قوانین، شغل، آداب و رسوم، ترس از عدم استقبال اجتماعی و مطابقت** اشاره می کنند. برخی از سدها معمولا توسط دشمنان خلاقیت تولید می

شوند. در این فرصت به شکل اجمالی به برخی از این دشمنان و مسائلی که در مسیر خلاقیت ایجاد می کنند اشاره می کنیم .

- تنها همین راه درست و لاغیر .

- تنها همین حرف حق است و جز آن نیست .

- فقط همین که من می گویم، معتقدم یا به آن رسیده ام.

همین است و جز این نیست.

-و...

گروه اول : در دیدگاه و روش آنها جایی برای حضور، پیوند و تولد و آشکاری و رشد ایده ها و راههای جدید ، فکرها و حرفهای نو و دیدگاههای متفاوت و زاینده وجود ندارد . هر فکر جدیدی از نگاه آنها محکوم است، هر راه حل جدید غلط به نظر می رسد و هر نوع خلاقیتی اشتباه محض، کاری احمقانه یا بیهوده تعریف می شود .

اساسا در این دیدگاه خلاقیت سلاحی خطرناک محسوب می شود چرا که راههای قدیمی و زیر ساختهای کهنه را خراب می کند یا در آنها تغییر و تحول ایجاد می

کند. تغییر برای این گروه مرگ را در پی دارد چرا که حیات آنها ماندن و پوسیدن در قالبهای بسیار محکم و غیر قابل تغییر موجود است .

گروه دوم: قضاوت زود هنگام و حذف بی موقع راه حل‌های جدید و ساختارشکن تنها به این دلیل که با معیارهای قبلی متناسب نیستند مانع از جریان یافتن و بارش ایده‌ها می‌شود. قضاوت زود هنگام یا نامناسب در واقع شبیه مانع و سد یا چتری عمل می‌کند که در هنگام بارش ایده‌ها مانع رسیدن آنها شده یا بهتر بگوییم به محض ورود آنها به ذهن آن را بیرون می‌اندازد .

در سال ۱۷۸۸ میلادی، "فردریک شیلر"، شاعر و دراماتیسست آلمانی، در نامه‌ای به یکی از دوستانش که از عدم توانایی خود در حصول ایده‌های ابداعی کافی شکایت داشت، این اصل را به او متذکر شد: "به نظر من شکایت شما، در محدودیتی است که فکر شما بر قدرت تصور شما تحمیل می‌کند". در این جا استنباطی را به نظر شما می‌رسانم و آن را با یک تمثیل شرح می‌دهم .

ظاهرا درست نیست- و در واقع مانع از کار خلاق ما می شود- اگر مغز، ایده هایی را که بدان سرازیر می شوند، به اصطلاح در درِ دروازه، مورد آزمایش قرار دهد " " .

یک ایده وقتی به طور مجزا در نظر گرفته شود ممکن است به طور کامل خالی از اهمیت به نظر آید، لیکن امکان دارد در نتیجه ایده ای که پس از آن به دست می آید، اهمیت داشته باشد .

شاید در جای جای ایده ای که خود آن نیز به همان اندازه بی معنی به نظر می رسد بتوان رابطه بسیار مفیدی فراهم آورد. مغز نمی تواند در باره تمام این ایده ها قضاوت کند مگر آنکه آنها را تا زمان بررسی در ارتباط با ایده های دیگر، نگاه دارد .

به نظر من چنین می رسد که در مورد یک مغز خلاق، تفکر، دروازه بانان را از دروازه ها فراخوانده است تا ایده ها به نحو نامربوطی وارد شوند و فقط پس از آن، جمیع آنها را مرور و بررسی کند. شما منتقدین با ارزش یا هر چه که نام دارید، از آشوب آنی و گذرایی که در همه افراد خلاق واقعی یافت می شود، و بلندی یا کوتاهی مدت آن، هنرمندان متفکر را از خیالباغان متمایز می کند، شرمنده و هراسان هستید. این

است دلیل شکایات شما از بی ثمری، زیرا زودتر از زمان لازم ایده ها را رد می کنید و با شدت بیش از حد لازم تبعیض قائل می شوید."

کارشناسان تفکر نیز معتقدند خطری که استعداد خلاق فرد را تهدید می کند، قضاوت یا ارزیابی تجربه فرد نیست بلکه پیشداوری است که به تبع آن تجارب بسیاری در حوزه دریافت را نمی یابند. خطری که آموزشهای معمول چه در خانه و چه در مراکز آموزشی در بردارند این است که نظرات نو و احتمال وقوع اعمال جدید خیلی زود و بیش از اندازه مورد انتقاد قرار می گیرند .

گروه سوم: یکی از توصیه های کلیدی در مسیر خلاقیت پرهیز از خطر و یا ترس از شکست است . روانشناسان معتقدند خطرپذیر نبودن زمانی خود را بروز می دهد که ما بیش از حد قانون گرا، ایرادگیر، وسواسی و یا نگران باشیم. برای اینکه ایده ای خلاقانه تحقق پیدا کند، نیاز به پایداری وجود دارد؛ ممکن است زمانی که خواهیم ایده ای را از رؤیای اولیه آن به بازار برسانیم، مجبور شویم، شکستهای اولیه را در چندین مرحله تجربه کنیم.

ماتسن (مدیر مرکز لئونارد- دانشگاه پنسیلوانیا) دریافت، دانشجوینی که در ابتدای پروژه اشتباهات بیشتری مرتکب می‌شوند، سرانجام موفقترین دانشجویان خواهند بود. ریچارد فارسون یکی از موسسان و رئیس انستیتو علوم رفتاری در کالیفرنیا معتقد است که مدیران می‌دانند که

شکست بخشی جدایی ناپذیر نوآوری است.

تا وقتی افراد شکست را نقطه مقابل موفقیت می‌دانند و نه مکملی برای آن، هرگز قادر نخواهند بود خطراتی را که لازمه نوآوری است، بپذیرند .

به فراسوی شکست بنگرید. البته شکست داریم تا شکست. بعضی شکستها کشنده هستند، مانند تولید و بازاریابی یک لاستیک نامرغوب. هیچ زمانی مدیریت نمی‌تواند در مورد مقوله‌های بهداشتی و ایمنی بی تفاوت باشد. اما تشویق شکست به مفهوم کنار گذاشتن نظارت، کنترل کیفیت یا احترام به اقدامات درست نیست، بلکه کاملاً بر خلاف این است.

گروه چهارم: این گروه از افراد در آسمان زندگی و اندیشه کوتاه می‌پرند یا اصلاً نمی‌پرند که می‌خزند و زیر زمین می‌زیند و پرنده ذهن را اگر سرنبریده باشند

برای همیشه در قفسی محبوس نگه می دارند. به دلایل مختلف این افراد از فکر کردن و ارائه ایده های جدید و فکرهای خلاقانه پرهیز می کنند. این جمع ترجیح می دهند تا از راههای ساخته شده توسط دیگران بروند و دیگران را هم به بهره گیری از این روش تشویق می کنند .

این گروه آنقدر پشت یک مانع و مسئله می مانند تا کسی بیاید و زحمات حل مسئله را متحمل شده و راه را برای عبور آنها باز کند. این گروه به طور معمول جز موفقان و برندگان نیستند در حالیکه معمولاً در مورد افراد موفق عکس این مسئله صادق است. یکی از مولفین موفق و تئوری پردازان تفکر می گوید: «در تمام فعالیت های انسانی، از ساختن موشک گرفته تا تربیت فرزند، کمال مطلق، حدی دست نیافتنی است و معنایش این است که برای پرواز فکر انسان، فضایی نامتناهی در پیش روست. مردم موفق، این راز را می دانند و به همین دلیل، همیشه در جست و جوی راه های بهتری هستند .

انسان موفق، نمی پرسد که آیا می توانم این کار را بهتر انجام بدهم؟ زیرا او

می داند که می تواند؛ پس از خود، چنین می پرسد: «چطور می توانم این کار را بهتر

انجام بدهم؟» موفقیت‌های بزرگ، در خانه مردمی را می‌زند که معیارهای عالی تری برای خودشان و دیگران در نظر می‌گیرند؛ مردمی که در جست‌وجوی راه‌هایی برای افزایش کارایی، به دست آوردن حداکثر نتیجه از حداقل هزینه و انجام کار بیشتر با زحمت کمتر هستند. پیشرفت‌های عالی، نصیب افرادی خواهد شد که چنین می‌گویند: «می‌توانم بهتر از این عمل کنم.» فلسفه «می‌توانم - بهتر - عمل - کنم» معجزه می‌کند.

وقتی از خود می‌پرسید که «چطور می‌توانم بهتر عمل کنم»

دکمه قدرت خلاق، زده می‌شود

و شیوه‌های بهتر برای انجام کارها، خودشان را معرفی می‌کنند.



